مقام امام زمان (عج) در شهر نعمانيه

 احمد علي مجيد الحلي

اشاره

هر مسلمان عاشق امام زمان (، ميتواند در گوشة تنهايي قلب خود، با حجت خدا نجوا و زمزمه کند و از خدا ظهورش را طلب کند، گرچه امام زمان( به همه جا احاطه دارد، بعضي از مکانها و مقامها مانند مسجد جمکران، مسجد سهله و... از اهميت ويژهاي برخوردارند که بايد آنها را پاس داشت و امام زمان( را در آن مکان‌ها خواند و خواستههاي خود را طلب کرد. آن مقامها، مقام امام زمان ( درشهر کوچک "نعمانيه" عراق است که در اين نوشتار، دربارة اهميت آن سخن خواهيم گفت. به همين مناسبت، به ترجمة تاريخ مقام الامام المهدي، نوشتة احمد علي مجيد حلي پرداختيم که آن را تقديم ميکنيم.

نعمانيه: (به ضم نون)، شهر کوچکي است بين شهر واسط و بغداد، بر ساحل دجله که از توابع " ذاب الاعلي" به شمار مي‌آيد. و نعمانيه (به فتح نون)، شهر کوچکي است بين شهر حمي و حلب . در کتاب تلخيص الآثار، اين شهر به ابوالعلاء احمد بن عبدالله الضرير (ابوالعلاء المعري) نسبت داده شده است. همچنين بر وادياي در راه طائف نيز اطلاق ميشود.

النعمان (به ضم نون)، نام گروهي از بزرگان است که يکي از آنها نعمان بن منذر ميباشد. او از پادشاهان بوده و گل معرف به شقايق را به او نسبت دادهاند.1

موقعيت مقام

در شهر نعمانيه- که از توابع شهر واسط است- مقام شريفي قرار دارد که به آن، مقام امام مهدي( ميگويند.

مقام، در منطقهاي قرار دارد که به آن، "ام عکيظ" ميگويند و آن، در مسير جادة اصلي بين شهر نعمانيه و شهر واسط (کوت) قرار دارد. فاصلة آن تا نعمانيه 15 کيلومتر و تا شهر کوت، حدود 22 کيلومتر است. مقام، سمت راست کسي واقع شده که در جادة اصلي، از نعمانيه به کوت ميرود و از جاده اصلي، حدود 1000 متر، به وسيله راهي که آباد نشده، جدا مي‌شود و پشت از رودخانه، دجله، حدود 150 متر دور ميشود.

منطقة ام عکيظ، امروزه تابع شهر نعمانيه است که از توابع استان واسط ميباشد.

تاريخ مقام

براي مقام، تاريخ روشني ذکر نشده است، جز روايت ابي جواد نعماني که در کتاب رياض العلماء آمده است. آن جا هم تاريخ روشني ذکر نشده؛ ولي ميتوان تاريخ آن را از بحث رجالي براي راوي آن، بدست آورد. ما ابتدا روايت را ذکر ميکنيم و سپس از تاريخ مقام بحث خواهيم کرد.

عالم زبر‌دست و دانشمند، آقا ميرزا عبدالله اصفهاني (مشهور به افندي) در جلد پنجم کتاب رياض العلماء و حياض الفضلاء در معرفي شيخ ابي جواد نعماني ميگويد:

ابي جواد نعماني، از افرادي است که امام زمان( را در زمان غيبت کبرا ديده و از آن حضرت روايت کرده است. همچنين در برخي جاها خطي از شيخ زين الدين علي بن حسن بن محمد خازن حائري، شاگرد شهيد اول ديدم که نقل کرده ابي‌جواد نعماني، مولايمان، امام زمان ( را ديده و از آن حضرت مي‌پرسد:"اي مولاي من ! براي شما مقامي در شهر نعمانيه و مقامي در شهر حله است؛ چه هنگام در آن دو مقام هستيد؟" حضرت مي‌فرمايد: " شب سه شنبه و روز سه شنبه در نعمانيه و روز جمعه و شب جمعه در حله هستم؛ ولي اهل حله در مقام من، ادب را رعايت نمي‌کنند. هرکس که وارد مقام من شود و ادب کند، آن گونه که شايسته است و بر من و امامان معصوم( سلام دهد و 12 مرتبه صلوات بر من و ايشان بفرستد، سپس دو رکعت نماز بخواند و خدا را با اين دو مناجات بخواند، هر چه بخواهد، خداوند به او خواهد داد و غفران و مغفرت خود را شامل حالش خواهد کرد".

گفتم: "اي مولاي من ! آن مناجات ودعا را به من بياموزيد". حضرت فرمود: بگو اللهم قد اخذ التاديب مني حتي مسني الضر و انت ارحم الراحمين و ان کان ما اقترفته من الذنوب استحق به اضعاف ما ادبتني به و انت حليم ذوانا? تعفوعن کثير حتي يسبق عفوک و رحمتک عذابک.

و سه بار اين دعا را تکرار کرد تا آن را ياد گرفتم.

از اين سخن چند فايده به دست مي‌آيد که در بحث مقام و تاريخ آن، ما را کمک خواهد کرد.

فايده اول

اين حکايت را مرحوم علامه نوري ( در کتاب نجم الثاقب و جنة‌المأوي آورده و اگر نقل حکايت کتاب رياض العلماء نبود، تاريخ مقام بر ما مخفي مي‌ماند و آن به سبب مفقود شدن پنج جلد از اصول دهگانه کتاب رياض العلماء تاليف ميرزا عبدالله افندي است که تا سال 1037 ق -چنان که بعضي از علما و تصريح کردهاند - موجود بوده است . اين کتاب، بعدها بر اساس حروف الفبا، در هفت جلد، در سال‌1401ق در شهر قم، به کوشش آقايان سيد محمود مرعشي نجفي و سيد احمد حسيني به چاپ رسيده؛ ولي اين حکايت، در اين چاپ موجود نيست و شايد در جلدهايي بوده که از بين رفته است.

فايده دوم

در کتابهاي رجالي، براي ابي جواد نعماني معرفي نيافتيم. احتمال دارد ابي جواد نعماني، همان متکلم عالم والگوي عارفان، يعني عبدالواحد بن صفي نعماني، صاحب کتاب نهج السداد في شرح الاعتقاد باشد که در جلد سوم، ص279 از کتاب رياض العلماء ذکر شده است؛ زيرا در برخي موارد، در کتابهاي رجالي، اسم فردي با کنيه ذکر مي‌شود و در جاي ديگر، با اسم و لقب .

اين گفته آميرزا عبدالله افندي اين احتمال را تقويت مي‌کند:

عصر عبدالواحد بن صفي نعماني معين نشده است و من گمان ميکنم ابن ابي جواد نعماني از شاگردان شهيد اول يا شاگرد شاگردان او بوده است.

مرحوم آقا بزرگ طهراني در کتاب الذريعه ميگويد:

من نسخهاي از کتاب نهج السداد را نزد عباس اقبال در تهران ديدم که در آن، تاريخ ولادتي براي علي بن حماد بن ادريس در 15 ماه رمضان سال 831 ق ذکر شده بود؛ پس معلوم مي‌شود آن نوشته، پيش قبل از اين تاريخ، تاليف آن، پيش از تاليف اين نسخه بوده است.

اين احتمال رد ميشود؛ زيرا نقلکنندة اين حکايت، زين الدين ابوالحسن علي بن خازن حائري، از شهيد اول اجازه داشته و در سال 786 ق بوده است؛ ولي تاريخ وفات عبدالواحد بن صفي نعماني، سال 793‌ق بوده است و شيخ ابن فهد حلي در سال‌791‌ق از او روايت کرده است. احتمال مي‌دهم قبري که اکنون درمقام امام زمان ( است، براي اين شيخ (شيخ عبدالواحد بن صفي نعماني) باشد؛ زيرا صوفي و صفي از نظر شکل نوشتاري نزديک به هم هستند و احتمال دارد در نوشتن، تغييري انجام گرفته باشد.

از شناخت تاريخ نقلکننده حکايت -که متوفاي سال 793 ق بوده - دريافتيم که مقام، در قرن هشتم هجري و چه بسا پيش از آن هم بوده است؛ زيرا از پرسش او که :"اي مولاي من! براي شما مقامي در نعمانيه و مقامي در حله است؛ شما چه موقع در آن دو مقام هستيد؟" معلوم ميشود اين مقام پيشتر ساخته شده و بين مردم هم معروف و مشهور بوده است.

فايده سوم

بنابر فرموده امام زمان( زيارت اين مقام، در شب سه شنبه و روز سه شنبه مستحب است؛ زيرا امام ( در آن مقام حضور دارد. اگر کسي اين سخن را منکر شود، براي او سخن سيد ابن طاووس رايادآور مي‌شويم که:"امام، غايب نيست؛ لکن او غايب از کسي است که آن فرد، از خدا غايب است".

فايده چهارم

ممکن است از اين حکايت، زيارت مخصوص اين مقام و مقام ديگر امام در حله را به دست آوريم. عمل به اين زيارت و آدابي که ذکر شده، براي استجابت دعا و خواستن نياز و طلب بخشش از خداوند، مفيد است.

اين مقام در قرن چهاردهم هجري از خشت و گل بنا شده و مقام و قبه کوچکتر از اين بود. نام اين مقام، در برخي کتابها ذکر شده بود که ميتوان تاريخ مقام را از آن کتابها بدست آورد؛ مثل کتاب نجم ثاقب و کتاب جنة الماوي تاليف علامه نوري (متوفاي سال‌1320ق) و کتاب ماضي النجف و حاضرها، ج 1، ص 96، تأليف شيخ جعفر محبوبه (متوفاي سال 1378ق).

آقاي سکر قريشي به نقل از خادم مقام، يعني سعد محيسن به من گفت:

از سيد علي ياسري از شاگردان سيد محسن حکيم شنيده بود که آنجا سنگ ثابتي بوده که نام کساني که در مقام دفن شده بودند روي آن نوشته شده بود . زمان جنگ جهاني و نيروهاي انگليسي در شهر -که سهماه در پادگان نظامي نزديک مقام استقرار داشتند- اين سنگ را از مقام به سرقت بردند و اين کار را يکي از کاپيتانهاي انگليسي انجام داد.2

در قرن پانزدهم هجري از سال1419ق تجديد بناي ساختمان از سر گرفته شد و هنوز با همکاري برخي مومنان و افراد خير ادامه دارد. همچنين علامه سيد حبيب بن سيد سلمان بن سيد عبدالرضا، سخنران و عالم شهر نعمانيه -که محل رجوع مردم آن شهر در مسائل ديني و اجتماعي است- همکاري ميکند. اين مقام، چنانکه گفتيم، از خشت و گل ساخته شده بود و مقام و قبه کوچکتر از اين بود.

توصيف مقام

پيش از ورود به ساختمان مقام، سمت راست تعدادي قبر وجود دارد که آن قسمت، براي دفن اطفال آن منطقه اختصاص داده شده بود. اکنون مردم را از دفن اجساد در آن جا نهي ميکنند. سمت چپ، وضوخانهاي قرار دارد که همراه ساختمان جديد، ساخته شده است. مساحت کل مقام، حدود 2000 متر مربع است که با آجر بنا شده.

براي مقام، سه در خارجي هست و هنگام ورود به مقام، در صحن خارجي آن، تعدادي درخت سدر و نخل وجود دارد. پشت ساختمان مقام، در طرف راست و چپ، تعدادي مغازة تجاري وجود دارد که زائران، وسايل مورد نياز را از آنجا مي‌خرند. در سمت جنوب شرقي اسکلت، بناي نيمه تمام يک حسينيه بزرگ قرار دارد.

پيش از ورود به مقام، ايوان بزرگي قرار دارد که براي خادمان قرار داده شده است. سپس از در آهني وارد مقام ميشويم که طول آن، دو و عرض آن، سه متر و رنگ آن سبز است و بالاي آن در دعاي "اللهم کن لوليک ..." نوشته شده است.

هنگام ورود به مقام رواق‌هايي ديده مي‌شود که دور تا دور روضه را در برگرفته است. در طرف شمال، براي ورود به روضه، دري قرار داده شده است و در سمت راست، محرابي قرار دارد که جهت قبله را مشخص ميکند و با کاشيهاي آبي پوشيده شده است . آنجا چند لوح نصب شده است که روي آنها زيارت مخصوص مقام، و روايت ابي جواد نعماني درباره مقام و همچنين زيارتي از امام زمان ( نوشته شده است. سمت چپ، دو کتابخانة کوچک و بزرگ قرار دارد که از ساج اصلي ساخته شدهاند و در آنها تعدادي قرآن و کتاب در علوم مختلف (فقه، سيرة معصومان، تاريخ و مانند آنها) وجود دارد.

آنجا لوحي است که بر روي آن، دعاي اهل بيت المعمور نوشته شده است. در رواق غربي منبري براي سخنراني گذاشته شده است . در اين رواق، 22 پنجره وجود دارد که بالاي صحن خارجي مقام قرار دارد.

سپس به روضة مقام- که مکان اصلي مقام است- داخل ميشويم . براي اين روضه، چهار در براي ورود به مقام و خارج شدن از آن قرار دارد . بالاي روضه قبة بزرگي به مساحت هشتمتر مربع قرار دارد و در کنار آن، دو مناره که ارتفاع هر يک از آنها سيمتر سات. رنگ قبه از خارج، سبز و داراي هشت پنجرة کوچک است. و عرض روضه، 417 متر، و ارتفاع آن، بيستوهفت متر است. در وسط روضه، ضريحي وجود دارد که به محمد بن قاسم بن علي بن عمر اشرف بن علي بن حسين بن علي بن ابي طالب( (مشهور به صوفي) نسبت داده شده است.

عرض ضريح، سهمتر و ارتفاع آن 5/2 متراست که از آلومينيوم ساخته شده است. و بالاي ضريح، با شيشه مزين شده و بر آن تعدادي لوح نصب شده که بر روي آنها روايت ابن ابي الجواد نعماني نوشته شده است. بر روي يکي از لوحها زيارت صاحب قبر و نسب آن نوشته شده است.

در وسط ضريح، قبري است که نيم متر از زمين فاصله داردو با پارچة سبز رنگ پوشانده شده و قبر را نوراني کرده است. اکنون درپي بحث از صحت نسبت قبر به سيد محمد بن قاسم نيستيم و اين، خود احتياج به بحث جداگانه دارد.

مورد مقام (سندمقام)

از لابه لاي تحقيقات و سؤالات براي دسترسي به سند و تاريخ آن کساني که مرا در اين امر کمک کرده‌اند، بر اساس مطالبي که ذکر شد، اسامي آنها را ذکر خواهيم کرد:

1. شعلان الکيم؛

2. ساجت الصخي القرشي، تاريخ وفات 1974م و بعد از آن ذرية او؛

3. خضير عبد عوفي صعبيفري از سال 1985م تا 2000م؛

4. سعد محسن از سال 2000تا 2003م؛

5. سکر القريشي 2003 م تا زمان حاضر که به سبب معلوماتي که به ما داد شکر‌گزار او هستيم.

آخرين فايده

در اين فايده براي کساني که ميخواهند دربارة نسب صاحب قبر، يعني سيد محمد بن قاسم صوفي و صحت نسبت قبر به وي و عقيدة او تحقيق کنند، منابعي معرفي مي‌کنيم:

خير الدين زرکلي، اعلام، ج6، ص324؛

علامه مجلسي، بحارالانوار، ج37، ص30؛

تاريخ ابن خلدون، ج1، ص200؛

تاريخ يعقوبي، ج2، ص471؛

قاضي نعماني مغربي، شرح الاخبار، ج3، ص345؛

سيد علي بروجردي، طرائف المقال، ج2، ص 234؛

شيخ عبدالرسول غفاري، الکليني و الکافي، ص138؛

علي بن محمد العلوي، المجدي في شباب الطالبين، ص 371؛

شيخ مفيد، المسائل الجارودية، (تحقيق شيخ محمد کاظم مدير شانچي)، ص 11.

------------------

پي نوشت:

1 . مقدمه کتاب غيبة نعماني.

2 . اين حکايت را فردي به نام حيدر که اکنون خادم مقام است، از جد خود، ساجت صخي قريشي -که پيشتر خادم مقام بوده- شنيده است.